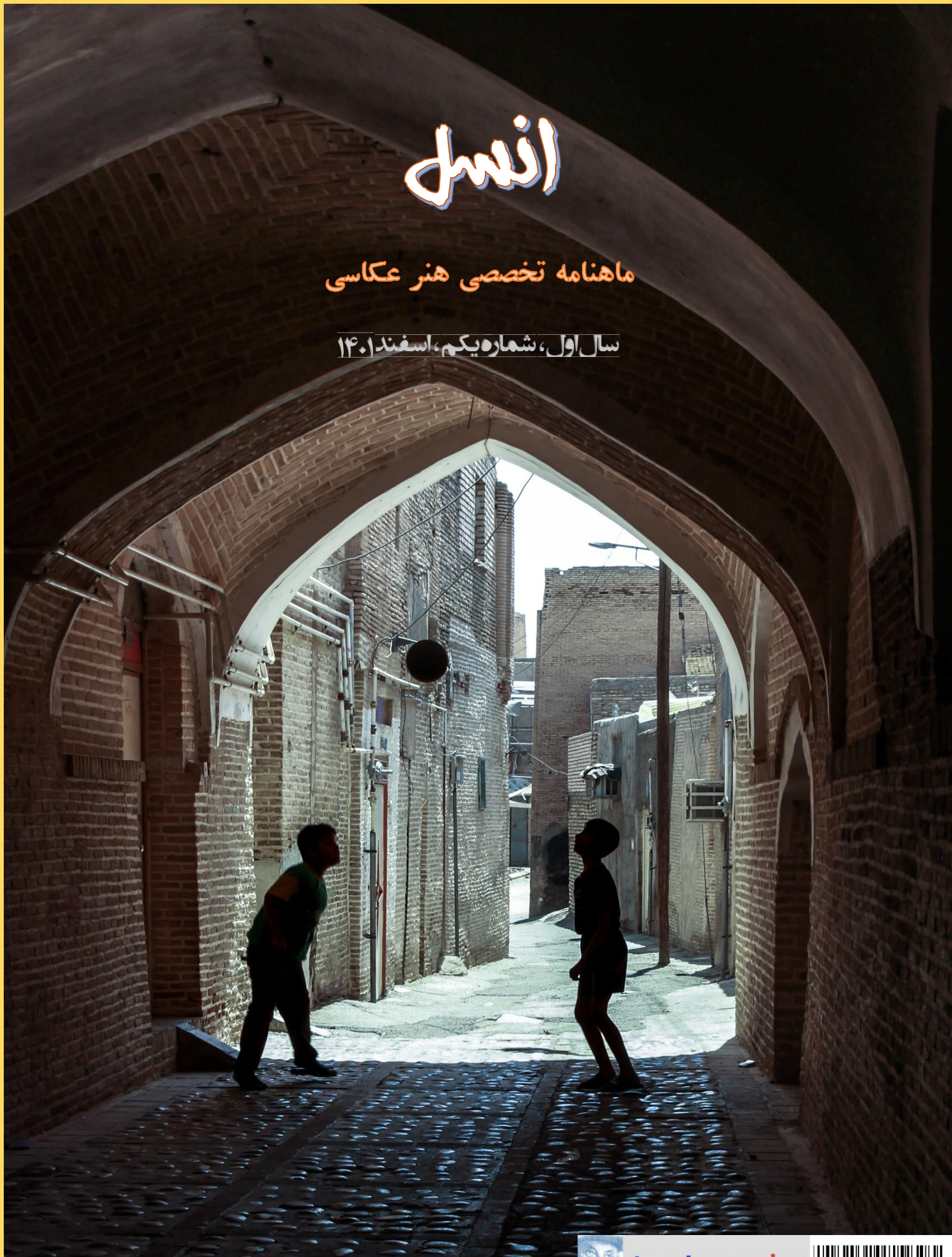


انسل

ماهنامه تخصصی هنر عکاسی

سال اول، شماره یکم، اسفند ۱۴۰۱



Anselmagazine



26 02 2023 01 01

مطالب این شماره

مقدمه ۲

عکاسان بزرگ جهان – انسل آدامز ۳

درس هایی که انسل آدامز به عکاسان می آموزد ۵

گزارش تصویری اختصاصی انسل از رویداد عکاسی اکسپوژر ۲۰۲۳ ۱۰

ترفندهای عکاسی تبلیغاتی ۱۵

مصاحبه هنری ۱۶

اخبار عکاسی ایران ۲۰

نقد و بررسی عکس ۲۲

تکنیک های عکاسی – عکس سایه نما ۲۳

مرور عکس های قدیمی ۲۶

www.anselmagazine.com

سردبیر: رضا تجویدی

با تشکر از هنرمند گرامی، مریم زندی

شماره یکم، سال اول، اسفند ۱۴۰۱

Contacts: info@anselmagazine.com / @anselmagazine

هرگونه استفاده از مطالب و محتوای این نشریه با هر شکل و عنوان بدون کسب اجازه کاملاً ممنوع است.

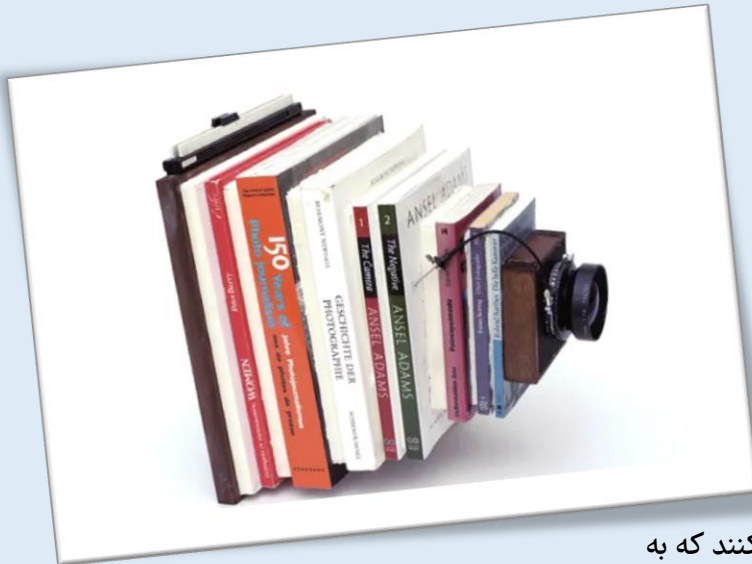


Anselmagazine



26 02 2023 01 01

مقدمه سردبیر



هر چند که در ابتدا و هنگامی که اولین بارقه های عکاسی شروع به تابیدن کرده بود؛ جعبه تاریک، آنچه بعدها تبدیل به دوربین شد، تنها ابزاری دم دستی برای نقاشان جهت رسم پیش طرح محسوب می شد و حتی پس از معجزه ای که علم (تا حد زیادی شیمی) آفرید در خلق تصویری مستقل از طراحی و حاصل از فرآیندهایی بین مواد و نور و با وجودی که برای سالها، عکاسی و عکاسان خود را در حاشیه و وام دار هنر نقاشی به حساب می آوردند و ادعای مستقلی نداشتند، بلکه اصولا بینشان ارزش آن بود که در فرمی عکاسی کنند که به نقاشی نزدیک تر است؛ ولی این جریان در میان جامعه هنری غرب، چندان دوامی نیاورد و با همت عکاسان بزرگ زمانه به سرعت رنگ عوض کرد.

جای بسی شگفتی است که لوازم عکاسی خیلی سریع و تنها با فاصله کوتاهی از زمان ابداع و رواج آن در اروپا، به ایران هم رسید (تنها پس از سه سال). اولین دوربین داگرتوتایپ، پیشکش تزار روس بود به محمد شاه قاجار به سال ۱۸۴۲ میلادی. این دوربین همراه با دیپلمات جوانی به نام نیکلای پاولوف که برای آموزش عکاسی و طرز کار دوربین آمده بود، به دربار ایران رسید. پس از آن، دوربین اهدایی ملکه انگلستان که آن هم از همان نوع داگرتوتایپ بود، به ایران وارد شد تا سبب ظهور اولین عکاسان ایرانی همچون ملک قاسم میرزا از شاهزادگان دربار و ناصرالدین میرزای ولیعهد شود.



نکته ای که می خواهم در دل این مقدمه طرح کنم ظریف و در عین حال بسیار مهم است. با ظهور فن عکاسی، طولی نکشید که عکاسان غربی در اروپا و آمریکا وارد مکاشفات، مناظرات و مباحث عمیق نظری شدند و بر سر مسائلی چون استقلال هنری در عکاسی و تنوع فرم ها و نگرش ها منازعه کردند و از دل این منازعات هنری، موج ها و جنبش هایی فراگیر پدید آمد. این در حالی است که در همان دوره در ایران، نگاه به عکاسی در سطحی ابزاری باقی مانده بود و هیچگاه فراتر از آن نرفت. شاید به جرات بتوان گفت که ارتقاء جایگاه هنری و کیفیت سطح نظری در عکاسی در ایران تا همین دوران معاصر ابرتر مانده بود و چه بسا هنوز هم به جایگاه شایسته و مقتضی خود نرسیده و با آنچه در سطح جهانی در حال رخ دادن است فاصله دارد. یکی از اهداف ماهنامه تخصصی هنر عکاسی، انسل، گام برداشتن در این مسیر در میان جامعه عکاسی ایران است.

عکاسان بزرگ جهان

انسل آدامز



نمی توان به تاریخ عکاسی اشاره کرد و نامی از انسل آدامز نبرد. اگرچه او جزو نخستین عکاسان نام آشنا نبوده و پیش از او در قرن نوزدهم و بیستم میلادی، عکاسان بسیاری به خلق آثار عکاسی مشغول بوده اند ولی از او می توان به عنوان معلمی بزرگ و یکی از برجسته ترین و تاثیرگذارترین عکاسانی یاد کرد که نقش مهمی در تثبیت عکاسی در جایگاه یک هنر داشته اند.

انسل آدامز هنرمندی طبیعت گرا، مؤلف و ابداع کننده سبک و تکنیک در عکاسی

انسل آدامز متولد ۲۰ فوریه سال ۱۹۰۲ در شهر سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا آمریکا است. از سن ۱۲ سالگی پیانو می نواخت و قرار بود نوازنده شود که به ناگاه با عکاسی آشنا و به آن علاقه مند شد. بعدها دیدار و آشنایی او با عکاس زمانه، پل استرند و نیز اولین دیدارش از طبیعت پارک یوسمیت در غرب آمریکا بعلاوه یک دوربین عکاسی که پدر و مادرش به عنوان هدیه به او داده بودند، همه اینها، سبب شد تا بالاخره انسل جوان در سن ۲۳ سالگی، قید پیانیست شدن را بزند و یک عکاس حرفه ای شود. او بعدها وقت زیادی را صرف عکاسی از طبیعت غرب آمریکا کرد و در این راه سبک و فرمی جدید و منحصر به خود را بوجود آورد. در همین زمان او تکنیک عکاسی نوینی به نام نظام ناحیه ای را ابداع کرد که راهنما و متحول کننده صنعت عکاسی و تا به امروز الهام بخش سازندگان دوربین های عکاسی بوده است.

نظام ناحیه ای روشی بود که سوژه را در کادر دوربین به نواحی مجزا تقسیم و برای هر ناحیه نورسنجی و طیف سنجی جداگانه ای در نظر می گرفت تا هم در مرحله ثبت عکس و هم ظهور و چاپ بکار گرفته شود. وجود تنالیتة نور در عکس های انسل آدامز بگونه ای که طیف وسیعی از رنگ خاکستری از تیره تا روشن در آنها دیده می شود، به سبک ویژه آثار او تبدیل شد.

انسل آدامز علاوه بر اینکه در بعد عملی و فنی، مشاور شرکت های بزرگ تولید کننده دوربین های عکاسی همچون هاسلبلاد بود؛ نظریه پرداز هنری مطرحی نیز به شمار می رفت. او مؤسس بخش عکس در موزه هنرهای معاصر نیویورک و از نظریه پردازان برجسته مکتب عکاسی صریح بود که اعتقاد به اصالت هنر عکاسی داشتند و نقطه مقابل پیکتوریالیسم هایی بودند که تلاش می کردند با وام دار کردن عکاسی به هنرهای دیگری چون نقاشی و گرافیک، آن را وارد مقوله هنر کنند. ولی جریانی که انسل آدامز سخنگوی آن بود اعتقاد داشت که یک عکس به خودی خود و بدون اعمال روش هایی در فرم سازی برای نزدیکی به سبک های هنری دیگر، خود به تنهایی حاوی تمام ویژگی های زیباشناسی هنری است.



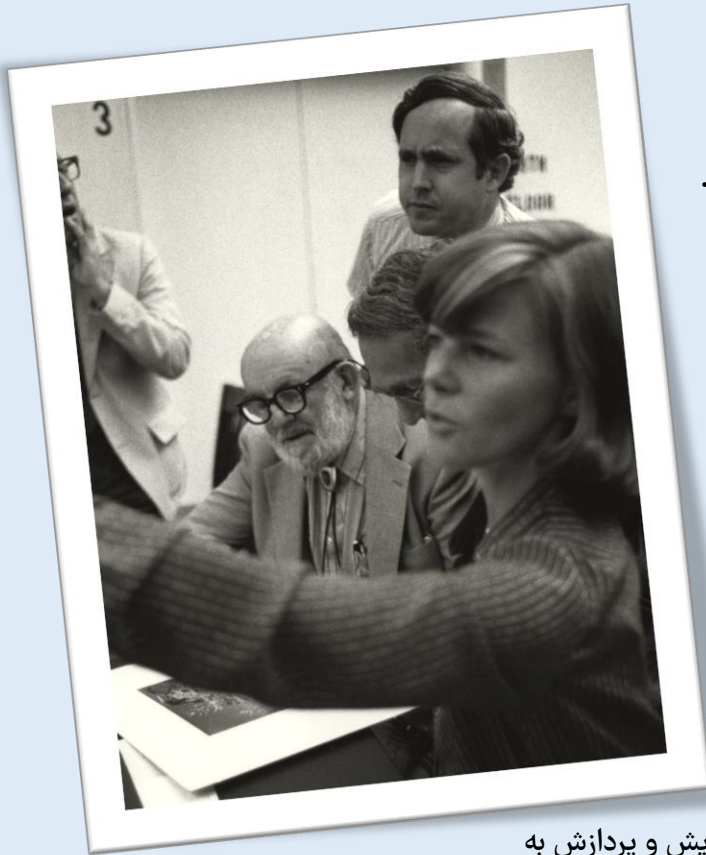
گرند تیتان و رودخانه مار، پارک ملی گرند تیتان، ایالت وایومینگ، سال ۱۹۴۲، انسل آدامز

The Grand Tetons and the Snake River, Grand Teton National Park, Wyoming, 1942



ماه و صخره هاف دوم، پارک ملی یوسمیتی، سال ۱۹۶۰، انسل آدامز

Moon and Half Dome, Yosemite National Park, 1960



۱ شما فقط عکس نمی‌گیرید بلکه عکس را خلق می‌کنید.

آنسل آدامز به عکاسی به عنوان یک فرم مستقل هنری نگاه می‌کرد، برای همین تنها فشردن دکمه شاتر دوربین برای ساختن یک عکس برای او کافی نبود؛ چرا که پردازش‌های بعد از عکاسی که آن زمان در تاریکخانه و موقع ظهور عکس رخ می‌داد و امروزه توسط کامپیوتر انجام می‌گیرد، قسمت بسیار مهمی از کار عکاسی به شمار می‌رود. بنابراین شما باید وقت بسیار زیادی را صرف ویرایش و پردازش یک عکس کنید تا آن حسی که در صحنه واقعی وجود داشته است را در عکس خود جاری کنید.

☞ توجه داشته باشید که منظور از این نکته آموزشی این نیست که هر عکسی را می‌شود با پردازش به یک عکس خوب بدل کرد. بلکه ابتدا باید یک عکس، از همه جنبه

های تکنیکی و زیباشناسی بسیار خوب گرفته شود و بعد در ویرایش و پردازش به درون آن ابعاد هنری و حس و حال مورد نظر هنرمند انتقال داده شود.

۲ "یک عکاس خوب، درست می‌داند که موقع عکاسی در چه موقعیتی قرار بگیرد." آنسل آدامز

شما باید بدانید که در چه موقعیت، فاصله و زاویه‌ای نسبت به سوژه قرار بگیرید تا بهترین پرسپکتیو، ترکیب بندی و حس و حال را در عکس خود داشته باشید. فرقی نمی‌کند عکاسی طبیعت می‌کنید یا خیابانی یا پرتره. این قانون برای همه ژانرهای عکاسی صادق است.

بسیار متداول است که برخی عکاس‌ها، کوله‌ای حاوی چندین کیلو تجهیزات بسیار گران قیمت و ویژه عکاسی را با خود حمل می‌کنند ولی موقع عکاسی این نکته بسیار ساده ولی با اهمیت را رعایت نمی‌کنند.

موقع عکاسی تنبل نباشید. بگردید و بهترین موقعیت ممکن را پیدا کنید. گاهی یک قدم این طرف یا آن طرف، عکس شما را به کلی متفاوت می‌کند. نه فقط جلو و عقب رفتن بلکه راست و چپ یا بالا و پایین رفتن. اگر لازم شد از سکویی بالا بروید و یا روی زمین دراز بکشید.

۳ از درون و احساسی که در سوژه است عکاسی کنید و نه از ظاهرش.

برخی عکاس‌ها فراموش می‌کنند که مفهوم هنر، برانگیختن احساسات مخاطب است نه صرفاً نشان دادن شکل و ظاهر یک اثر. در میان هنرهای مختلف، عکاسی، مستعدترین آنها برای فراموشی این مفهوم است، چرا که این دوربین عکاسی است که به عنوان یک واسطه، عکس را ثبت می‌کند.

انسل آدامز درباره عکس معروف خود با عنوان "طلوع ماه من، هرناندز، نیومکزیکو" می گوید: درون این عکس دقیقا همان احساسی وجود دارد که در واقعیت آن صحنه وجود داشت. من عکس را بر اساس همان احساس گرفتم و در مرحله ظهور و چاپ هم، به همان فکر کردم. زیاد پیش آمده که بینندگان عکس از من می پرسند که چرا آسمان اینقدر تیره و سیاه است، این دقیقا زدن توی خال است چرا که آسمان تیره در این عکس همان حسی را منتقل می کند که واقعا آنجا وجود داشت.



بنابراین موقع عکاسی به آن حسی که می خواهید در عکس وجود داشته باشد فکر کنید. برای مثال زیبایی، غم، ترس و واهمه، فلاکت، هیجان یا هر حسی دیگری که می خواهید در عکس خود بگنجانید. شاید برایتان سوال پیش بیاید که چطور این کار را بکنیم؟ جوابش استفاده از المان های ویژه و نیز تکنیک است. برای مثال اگر عکاسی طبیعت می کنید، نحوه تابش نور خورشید، مه، دود و سایر عناصر طبیعی می تواند در دمیدن احساس مورد نظر به عکس بکار آید، علاوه بر اینکه در مرحله ویرایش، تنظیم رنگ ها و سردی یا گرمی و دیگر انتخاب ها، می تواند در ظهور بیشتر این حس موثر باشد. همینطور در عکاسی از انسان می توانید بر زبان بدن، ارتباط چشمی و حرکات دست ها تمرکز کنید. در کل سعی کنید بیشتر با قبلتان عکاسی کنید تا صرفا با چشمتان. نگذارید ترکیب بندی، کادر و تنظیمات دوربین آنقدر ذهنتان را مشغول خود کند که دمیدن حس و حال در عکس را فراموش کنید.

۴ آنچه قرار است تبدیل به عکس شود را از قبل توی ذهنتان مجسم کنید.

"من یک چشم بینا توی ذهنم دارم. از پیش از گرفتن عکس، با آن چشم می توانم ببینم که در نهایت چه چیزی با چه ظاهر و احساسی در درونش از دستگاه چاپ عکس بیرون می آید. اگر به شما نگاه کنم، در عین حالی که شخص شما را می بینم ولی عادت دارم تا با ترکیبی از عناصر محیطی اطرافتان، تجسمی بصری از شما در ذهن خودم تداعی کنم. حالا اگر آن تصویری که در ذهنم ساخته می شود به اندازه کافی برایم هیجان انگیز باشد، شانس زیادی وجود دارد که بتوانم از آن یک عکس خوب هم ثبت کنم. این یک استعداد و نیز توانمندی حاصل از ممارست زیاد است. این یک واقعیت است که برخی آدمها قادر به انجام دادن آن نیستند." انسل آدامز

به عنوان یک عکاس، بسیار پیش آمده که صحنه ای را دیده اید که هیجان زده اتان کرده است و شاتر دوربین را به سمت آن چکانده اید و عکسی گرفته اید ولی با دیدن نتیجه کار به شدت سرخورده شده اید که چرا این عکس مشابه آنچه در واقعیت بوده، در نیامده است. این همان مهارت افراد در عکاسی است که چگونه می توانند همان چیزی را که در واقعیت می بینند به عکس خود منتقل کنند. این مهارت با فراگیری بیشتر اصول ترکیب بندی، تکنیک های عکاسی و آشنایی بیشتر با تنظیمات دوربینی که در دست دارید و نیز توجه به پرسپکتیو و زاویه دید موقع عکاسی و در نهایت تکنیک های پیرایش و ویرایش عکس بدست می آید. اگر قصد دارید توانمندی تجسم بصری ذهنی خود را تقویت کنید، مدام تمرین کنید، عکس بگیرید و بعد هر عکس را با تمام جزئیاتش بررسی کنید. سعی کنید از بازخورد عکاسان دیگر بهرمنند شوید و به این شکل، به مرور این توانمندی برای شما درونی و ذاتی خواهد شد.

۵ انتقادهای مخرب را نایده بگیرد.

حتی عکاس مطرح و بزرگی چون انسل آدامز منتقدان سرسختی داشت که آثارش را تا سر حد تنفر نقد می کردند. این یک واقعیت است که شما هر چه موفقیت بیشتری در کارتان حاصل کنید با نقدهای منفی و مخرب بیشتری روبرو خواهید شد. پس نگذارید این جریان مانع از پیشرفت هایتان شود. کاری که انسل آدامز با این گونه موارد می کرد فقط یک چیز بود: آنها را نادیده می گرفت.

"منتقدان اغلب با چیزی که زیاد به چشم می آید، راحت نیستند. برخی از آنها مرا عکاس کارت پستالی می نامند، که حتی حوصله توجه کردن به حرفهایشان را هم ندارم. از طرف دیگر برخی منتقدان بسیار اغراق آمیز و زیادی به آثار من تعبیری ماورایی داده اند. منتقدان بسیار کمی هستند که آثارم را به درستی درک کرده اند و نقدی منصفانه درباره آنها بیان کرده اند." انسل آدامز

به این نکته توجه داشته باشید که هیچوقت نمی توانید کاری کنید که همه از عکس شما خوششان بیاید. در اصل شما با گام نهادن در راه درست پیشرفت و موفقیت، با چالش های بیشتر و بزرگتری روبرو خواهید شد که اثر و دیدگاه شما را نقد می کند. حالا هر چقدر در کار خود نوآوری بیشتری داشته باشید و سبک منحصر به فرد تری را دنبال کنید بطور طبیعی با نقد منفی بیشتری روبرو خواهید شد چرا که افراد بیشتری با اثر شما بیگانه خواهند بود. اینها دقیقا بخشی از همان مسیری است که به یافتن سبک و امضاء هنری منحصر خودتان ختم می شود. این را بخاطر بسپارید که اگر هیچ نقد منفی یا صدای مخالفی درباره کارتان وجود نداشته باشد به معنی آن است که شما هنوز به جایگاهی نرسیده اید.

۶ درباره تکنولوژی و عکاسی

چیزی که در مورد انسل آدامز استثنایی است این است که او چقدر عالی خود را به تکنولوژی های روز در عکاسی منطبق می کرد و همواره نگاهش به تکنولوژی فراتر از حال و به آینده بود. این را مقایسه کنید با عکاسانی که حتی امروز در قرن ۲۱ ام، با حسرت از نوستالژی های عکاسی و مزیت های دوربین های آنالوگ قدیمی حرف می زنند و نمی توانند از آن دل بکنند.

انسل آدامز به استاد تمام تاریخانه و ظهور عکس شهره است ولی با این وجود او برای ظهور تکنولوژی عکاسی دیجیتال که به حذف تاریخانه می انجامید، هیجان زده و مشتاق بود. او در این باره می گوید:

"عکاسی الکترونیکی به زودی بر آنچه در حال حاضر در دست داریم تفوق خواهد یافت. اولین اتفاق مثبت آن، بر طرف کردن برخی ضعف هایی است که الان وجود دارد و نمی شود کاری با آنها کرد. قطعاً در خروجی، عکس هایی با وضوح و کیفیت بالاتری خواهیم داشت. دوربین های دیجیتال به زودی تمام عکس را در پروسه و قالبی الکترونیکی خواهند ساخت و عکاس را قادر می سازند تا کنترل

عظیمی بر فرآیند عکاسی داشته باشد، خدای من! ای کاش می توانستم همین الان جوان شوم و عکاسی را در این زمانه از نو آغاز کنم."



ما نسلی هستیم که اکنون در عصری طلایی برای عکاسی زندگی می کنیم. به اطراف خود نگاه کنید. همین مجله تخصصی عکاسی که اکنون بصورت دیجیتال با این سرعت و سهولت در اختیار شماست. سیستم های کامپیوتری و نمایشگرها با چنین قدرت پردازش و کیفیت خروجی تصویری که دارند. دوربین های عکاسی که سال به سال بهتر و پیشرفته تر می شوند، حتی تلقن های همراه یا این همه امکانات عکاسی که دارند. اینترنت، شبکه های اجتماعی و پلتفرم های مختلفی که به ما امکان می دهد به میلیون ها مخاطب دسترسی پیدا کنیم و آثار خود را به آنها نشان دهیم. باید به یکدیگر بابت این همه مزایایی که امروز در عکاسی نسبت به نسل های قبل وجود دارد، تبریک بگوییم. ما عکاس ها، خوب است که شکر گذر و قدردان داشته هایمان در زمانه خود باشیم.

۷ موسیقی و عکاسی



در همین شماره از مجله و در زیر عنوان عکاسان بزرگ، به زمینه موسیقی در انسل ادامه اشاره کردیم و اینکه او قرار بود در ابتدا یک پیانیست شود، خودش در این باره می گوید:

"سال ۱۹۳۰ من در تائوس بودم که پل استرنز نگاتیوهای عکاسی خودش را به من نشان داد. آنها بسیار زیبا بودند و همان لحظه با خودم گفتم، من می خواهم یک عکاس شوم. بسیاری از دوستانم سعی کردند که مرا منصرف کنند. آنها گفتند که موسیقی یک هنر است که می تواند درونیات و احساسات

قلیان شده ات را بیان کند ولی عکاس نمی تواند این کار را بکند. من در جواب گفتم، بله درست است که دوربین نمی تواند به تنهایی این کار را بکند، ولی من می خواهم به عنوان یک هنرمند توسط دوربین عکاسی برای انجام این کار تلاش کنم."

در اصل انسل آدامز به واسطه آموزش هایی که در موسیقی دیده بود، در کار عکاسی هم دارای نوعی اخلاق کاری بسیار منظم شده بود. او در این رابطه می گوید: "خوب! در موسیقی رعایت نظم از همان ابتدای شروع کار الزامی است. شما با اشکال مختلف و مقادیر زیادی روبرو هستید که باید آنها را به نظم در آورید. شما باید نت ها را بسیار دقیق اجرا کنید و شانس برای خطا ندارید، چرا که کوچکترین بی نظمی، ریتم موسیقی شما را خراب می کند."

ممکن است برای هر کسی در زندگی مقطعی پیش بیاید که به ناگاه همه چیز برایش متحول شود. مثلاً شما تحصیلاتان را در رشته مهندسی در دانشگاه آغاز کرده اید ولی به ناگاه به جامعه شناسی گرایش پیدا می کنید. یا درحالی که در یک شاخه هنری فعال هستید به شاخه دیگری تمایل پیدا می کنید. هر کدام از شما که امروز عکاس هستید ممکن است روزی با سابقه و تجربه و گذشته ای متفاوت روبرو بوده اید. سعی کنید آن علایق و تجربیاتی که در گذشته داشته اید را با کار عکاسی خود ترکیب کنید. مثلاً اگر زمانی کشاورزی کرده اید و یا تجربه بازی در تئاتر را دارید، یا هر فعالیت و گرایش دیگری، سعی کنید از آن در کار عکاسی خود تاثیر بگیرید. به این فرآیند "تاثیر متقابل" می گویند که می تواند کار شما را منحصر به فرد کند. این دقیقاً همان کاری است که انسل آدامز کرد و شما هم می توانید انجامش دهید.



پرتره ای توسط پل استرنند - عکاسی صریح

پرتره ای در سبک پیکتوریالیسم اثر آدولف د مایر ۱۹۱۲

۸ عکاسی را بخاطر عکاسی دوست داشته باشید.

در ابتدای رواج عکاسی و در میانه قرن نوزدهم، عکاسان همه سعی و تلاش خود را می کردند تا عکسهایی بگیرند که تا حد ممکن شبیه به نقاشی از آب در بیاید. آنها اسم جنبش خود را پیکتوریالیسم یا نهضت تصویرسازی گذاشته بودند. برای این کار، گاهی تا حد مضحکی پیش می رفتند. مثلاً ژست های غیرطبیعی به سوژه خود می دادند و سعی می کردند با راه انداختن بخار و دود سیگار، صحنه عکاسی را محو و تار کنند. قاعدتا از لنزهایی با فوکوس بسیار نرم استفاده می کردند و در هنگام روتوش عکس، از ترفندهایی استفاده می کردند که تا حد ممکن چیزی شبیه به یک اثر نقاشی از دل کار بیرون بیاید. انسل آدامز جزو آن دسته از عکاسانی بود که علیه این نگرش متداول، شورش کردند و جنبش عکاسی صریح را در قالب گروه اف ۶۴ بوجود آوردند (اف ۶۴ اشاره به بسته ترین دیافراگم ممکن در دوربین و در نتیجه شارپ ترین حالت یک عکس بود) و در نهایت موفق شدند عکاسی را به عنوان یک هنر مستقل در میان هنرها تثبیت کنند.

انسل آدامز در این باره می گوید: آن عکس ها به طرز وحشتناکی ساختگی، کم عمق و فاقد هرگونه حس و حال خوبی بودند. حتی نمی توان خلاقیت هنری را به آنها نسبت داد. فقط آثاری، ویژه دوره ای از هیجان زدگی ما بودند.

یکی از میراث های مهم انسل آدامز همین تغییر نگرش در عکاسی است. تا پیش از او، عکاسی به عنوان یک هنر پذیرفته نمی شد بلکه تنها یک سبک کاری که سعی دارد خودش را به هنر نقاشی نزدیک کند، به حساب می آمد. امروزه با تلاش و همت گذشتگان، دیگر هنر عکاسی جایگاه خودش را بدست آورده است و گالری های هنری بسیاری بخشی را به عکاسی اختصاص داده اند. مطلبی که می خواهم با شما بازگو کنم این است که عکاسی را برای عکاسی دوست داشته باشید نه شبیه بودنش به چیزی دیگر. نه آن را کمتر و نه بهتر و برتر از هنرهای دیگر خطاب کنید بلکه بگذارید عکاسی همانی چیزی باشد که هست، بدون مقایسه با هر هنر دیگری. بیایید همه ما با هم به اتفاق به هنر عکاسیمان افتخار کنیم.

منبع: مقالات هنری اریک کیم

اکسپوژر یک رویداد بین المللی درجه یک در هنر عکاسی و یکی از بزرگ ترین اتفاقات سالانه در این حوزه است که در منطقه خاورمیانه و در شهر شارجه برگزار می شود. در این جشنواره هنری، علاوه بر نمایش صدها عکس و نیز فیلم از درخشان ترین و حرفه ای ترین عکاسان دنیا گرفته تا عکاسان و فیلم سازان نیمه حرفه ای و آماتوری که شانس پذیرش و حضور آثارشان در این رویداد هنری رخ داده است، به نمایش در می آید. سیاست این رویداد در استقبال از عکاسان جوان و ناشناخته و نمایش آثارشان در این نمایشگاه، فرصتی استثنایی برای فعالان در این عرصه هنری است تا با کسب تجربه و افتخاری بزرگ به جایگاهی دسترسی داشته باشند که توسط آن با جامعه عکاسی دنیا و نیز با مخاطبان و علاقه مندان به این شاخه از هنرهای تجسمی ارتباط برقرار کنند.

سخنرانی ها و ارائه های حرفه ای، گپ و گفتگو و مرور زندگینامه هنری، پرسش و پاسخ های تخصصی، فرصت دیدار و تبادل نظر هنرمندان با هم، ارائه کارگاه های بسیار متنوع و حرفه ای عکاسی، ویژه برنامه ها، نمایش آخرین تجهیزات و دستاوردهای تکنولوژی و صنعتی در حوزه عکس و فیلم و بسیاری فعالیت های مرتبط دیگر، از برنامه های هر ساله در این جشنواره هستند.



از راست به چپ:

گرگ گورمن (Greg Gorman)

عکاس مشهور بخاطر پرتره های ویژه اش از هنرمندان و
سینماگران هالیوودی

سیمون نیوتون (Simon newton)

مدیر جشنواره بین المللی اکسپوژر شارجه

استیو مک کری (Steve McCurry)

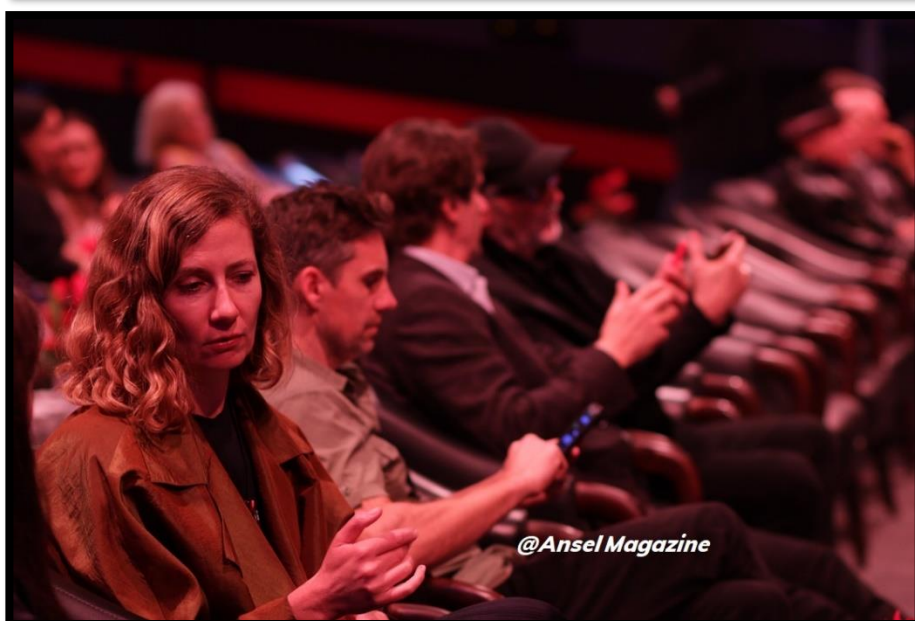
مشهورترین چهره عکاسی معاصر دنیا

داگلاس دوبلر (Douglas Dubler)

عکاس برجسته صنعت زیبایی و مد جهان



گ.رگ گورمن و جیمز بالوگ (James Balog) در کنار هم. بالوگ عکاس آمریکایی است که بر رابطه انسان و طبیعت و از جمله عکاسی از حیوانات در حال انقراض، تمرکز و شهرت دارد.



ویتنی جانسون (Whitney Johnson) معاون مدیریت بخش عکس و توسعه تصویر در نشریه نشنال ژئوگرافیک در حال گوش دادن به صحبت های یکی از عکاسانی که در سالن سخنرانی حاضر است.

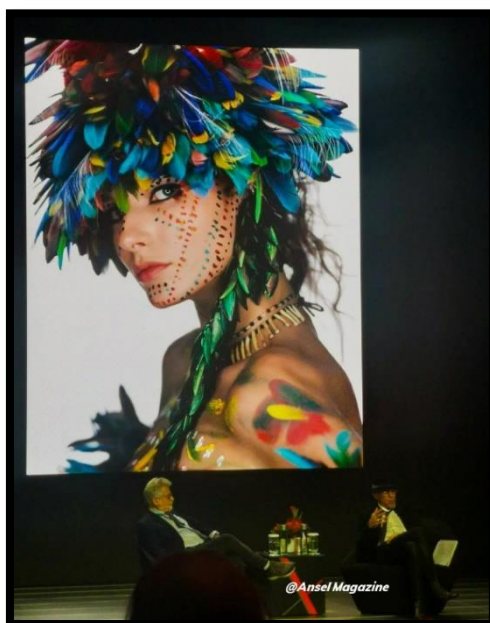
آیدان سالیوان (Aidan Sullivan) یک کارشناس حرفه ای رسانه است. او سابقه عکاسی خبری و مدیریت بخش عکس ساندی تامیز را در کارنامه دارد. بنیانگذار سایت image.net است و در حال حاضر مالک شرکت رسانه ای verbatim نیز می باشد که عکاسان و فیلم سازان بزرگی را تحت پوشش دارد.





داگلاس دوبلر، استیو مک کاری و لوران بیهو (Laurent Baheux) که دارد به عکسی که استیو در صفحه موبایلش به او نشان می دهد، نگاه می کند.

لوران بیهو عکاس فرانسوی که ابتدا عکاس مطبوعات ورزشی بود، بعد از چند سال کار در این شاخه در نهایت از زندگی شهری و عکسهای پر سرعت ورزشی دلزده شد و از سال ۲۰۰۲ به سفر به آفریقا و عکاسی از حیات وحش روی آورد و در این ژانر عکاسی به سبکی منحصر به خود دست پیدا کرده است. او اکنون سفیر حسن نیت برنامه های محیط زیست سازمان ملل و از اعضای کمپین مبارزه با شکار غیر قانونی حیوانات است.



مرور زندگی هنری داگلاس دوبلر

عکاس صاحب سبک آمریکایی در

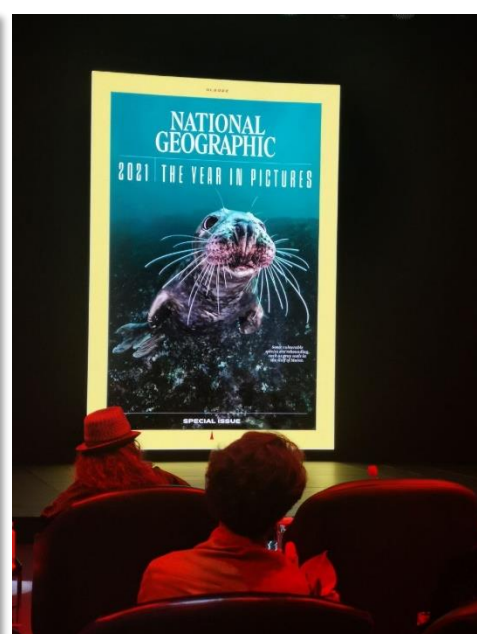
ژانر زیبایی و مد آمریکا به اتفاق توماس لوپز به عنوان مجری برنامه روی سن. پرفسور لوپز استاد هنرهای زیبا در دانشگاه میامی است.

داگلاس دوبلر در این قسمت از نشست، درباره داستان عکس معروفی که برای تبلیغ چاپگرهای رنگی گرفته است و نیز عکس که ۷۵ هزار دلار قیمت فروش برای آن معین کرده، صحبت می کند. عکاسی هنری از گل و گیاه دلمشغولی امروز او در سن ۷۵

سالگی است و گالری اختصاصی او در اکسیپوژر ۲۰۲۳ به عکسهای جدید او در این رابطه اختصاص یافته بود.



ویتی جانسون معاون بخش ویژوال و عکس نشنال ژئوگرافیک در حال سخنرانی و ارائه مطالبی در خصوص دستاوردها و نیز برنامه های آینده این نشریه. او در این صحنه به محصول تصویری این نشریه اشاره می کند که بدن یک بیمار فوت شده، مبتلا به کوید-۱۹ را نشان می دهد که مطابق دستورالعمل های بهداشتی به شکلی مومیایی با پوشش پلاستیکی محافظت شده است. این عکس به سرعت توسط ده ها رسانه ها دیگر در سطح جهان به نمایش در آمد. همچنین در این ارائه به طرح و برنامه های این نشریه برای ساخت فضای سه بعدی مجازی از نقاط مختلف جهان با استفاده از تکنولوژی وی آر برای تمرین مجازی و سرگرمی علاقه مندان عکاسی با کارکرد انجام ماموریت های مجازی از سوی این نشریه اشاره شد. در عکس بالا سمت راست، محمد محیسن یکی از عکاسان نشریه نشنال ژئوگرافیک نیز دیده می شود.





وقتی استیو مک کری را توی نمایشگاه دیدم، توی غرفه کتاب فروشی، پشت یک میز کوچک و مختصر نشسته بود و داشت کتاب جدیدش را برای علاقه‌مندان امضاء می‌کرد. فکر کردم که شاید بشود در فرصتی، گفتگویی با او درباره عکاسی و عکاسان ایرانی که او احتمالاً می‌شناسد، برای مجله انسل داشته باشم. ولی امضاء کردن‌ها و سلفی گرفتن‌ها خیلی به درازا کشید و بعد هم از جایش بلند شد و به سرعت به سمتی رفت. خودم را به او رساندم و گفتم آقای مک کری می‌خواهم یک گفتگوی مختصر با شما داشته باشم. در جواب گفت که عجله دارد، داشت به سمت تالار اصلی می‌رفت تا در سخنرانی و مرور عکس‌های گرگ گورمن شرکت کند. در همان حالی که می‌رفت، گفت: تو هم بیا آنجا، شاید میان برنامه فرصتی برای گفتگو پیش آمد.



ترفندهای عکاسی تبلیغاتی

به پرواز در آوردن محصولات



ابتکار عمل و خلاقیت در عکاسی تبلیغاتی یکی از مهمترین ضروریات برای هر عکاسی است که در این شاخه مشغول به کار است. به پرواز در آوردن برخی محصولات علاوه بر آنکه امکان دیده شدن جزییات و لایه های مختلف سوژه را به مخاطب می دهد، نتیجه کار را هم از یک عکس متداول و معمولی که ممکن است برای مخاطب فاقد تازگی بصری باشد به عکسی جذاب تر و دیدنی تر بدل می کند.

قطعا به پرواز در آوردن محصول با یک عملیات حرکتی و بعد عکاسی از آن با استفاده از تکنیک هایی چون سرعت شاتر بالا، نمی تواند بهترین راهکار ممکن باشد؛ خصوصا که ترکیب برخی محصولات، مانع از حصول نتیجه برای عکاسی می شود حالا با هر چندین باری که در این راه سعی و خطا شود.

یکی از راهکارهای ساده ای که برای این منظور استفاده می شود استفاده از شبکه ای از مفتول های نازک نگهدارنده با پایه ای متصل به کف است ولی راهکار بهتر از آن استفاده از نخ شفاف یا نخ ماهیگیری است.

برای این منظور عکاس و دستیارانش باید مجموعه ای از نخ ماهیگیری را از میله نگهدارنده در ارتفاع آویزان کنند و بعد یکی یکی و با دقت فراوان و در ارتفاع های مورد نظر، محصولات یا ترکیبات یک سوژه تبلیغاتی را به

نخ ها بسته و چیدمان کنند. واضح است که قسمتی از کار برای مرحله پیرایش و ویرایش عکس باقی می ماند تا با استفاده از نرم افزارهای مورد استفاده در عکاسی، آثار احتمالی به جا مانده از مفتول یا نخ از عکس حذف شود.

رضا تجویدی

حضور دو اثر از عکاس ایرانی در نمایشگاه اکسپوژر ۲۰۲۳

گفتگو با بابک مهر افشار



بنا بر روال هر سال، این بار هم شاهد حضور عکسی از یک عکاس ایرانی در میان آثار برگزیده بخش مسابقه در جشنواره بین المللی اکسپوژر شارجه هستیم. امسال، بابک مهرافشار با دو اثر برگزیده خود، عکاسان ایرانی را در این رویداد بزرگ هنری نمایندگی کرده است.

بابک مهرافشار متولد ۹ آذر ۱۳۷۱ در شهر مسجد سلیمان و ساکن اصفهان است. هر چند تحصیلات خود را در رشته کارشناسی تکنولوژی الکترونیک ادامه و به انجام رسانده ولی در زمینه هنرهای تصویری تا حدی پیش رفته است که سابقه تدریس عکاسی و تصویربرداری و تدوین، عضویت در انجمن های عکاسی مختلف داخلی و بین المللی و نیز دواری چند مسابقه عکاسی را در کارنامه دارد و آثارش در جشنواره های هنری بسیاری به نمایش در آمده اند.

به مناسبت حضور عکس های این هنرمند ایرانی در نمایشگاه اکسپوژر ۲۰۲۳، گفتگویی با او انجام داده ایم که در ادامه می خوانید:



برایمان بگویید که چطور و از چه زمانی به عکاسی علاقه مند شدید؟

عکاسی برای من از ۱۳ سالگی شروع شد. از همان وقتی که پدرم از سفر دبی، یک دوربین دیجیتال سه مگا پیکسلی به عنوان سوغاتی برایم آورد و من با آن شروع به کشف محیط پیرامونم کردم. ۵ سال بعدش یک دوربین DSLR هم خریدم و در سال ۱۳۹۱ به عضویت کانون عکس اصفهان درآمدم و همه اینها برایم مثل دریچه هایی به سوی موفقیت در دنیای حرفه ای عکاسی بوده اند.

به کانون های عکس اشاره کردید، به نظر شما انجمن های عکاسی که در شهرهای مختلف برپا می شود، چه نقشی در جامعه هنری محل خود می توانند ایفا کنند؟

بر اساس تجربه عضویت و فعالیت هایم در کانون های مختلف مثل کانون عکس اصفهان یا انجمن عکس آمریکا، اینطور می توانم بگویم که اینگونه انجمن ها اگر از حمایت بزرگی برخوردار باشند، مثل آنچه سیاست های حمایتی در حوزه فرهنگ و هنر توسط دولت ها انجام می گیرد، می توانند معجزه کنند و صد چندان تاثیرگذار باشند. یکی از مهمترین کارکردهای این انجمن ها، پیدا کردن استعداد های نوظهور و دادن امکانات و فرصت به آنها برای رشد و نمو است. به هر حال این کانون ها نیازمند داشتن هدف و برنامه هستند و باید بتوانند بطور مستمر به فعالیت های خود ادامه دهند.

شما خودتان به عنوان مدرس عکاسی و کسی که با مساله آموزش عکاسی در داخل ایران درگیر بوده است، می خواهم بدانم جای خالی چه چیزی در این مقوله را بطور خاص در ایران، بیشتر حس می کنید؟

در جواب سوال شما می خواهم با تاکید بر مساله ندانستن زبان های خارجی اشاره کنم. شاید در نگاه اول کمی بی ربط به نظر برسد، ولی چه اساتید این حوزه و چه کارآموزان، برای ارتقاء در کار خود به منابعی بیش از آنچه اکنون به زبان فارسی در دسترس آنها است نیاز دارند. این منابع به زبان های دیگر هستند و بهره گیری از آنها برای فعالین این حوزه ضروری است.

متأسفانه در حال حاضر، به روز نبودن دانش عکاسی در میان فعالین حوزه آموزش و نیز فاصله داشتن با آنچه در دنیای امروز در این زمینه در جریان است، از مسائل قابل تامل است. همچنین اصرار بیش از حد به نگاه و سلیقه های شخصی به جای نگاهی دانش محور، عامل دیگری است که در حوزه آموزش عکاسی در ایران نقص به حساب می آید.

خوب در این شرایط توصیه شما به هنرجویان و علاقه مندانی که به دنبال فراگیری و پیشرفت در فن عکاسی هستند، چه هست؟

آنها نباید به یک آموزشگاه یا استاد بسنده کنند و سعی کنند از تجربیات و دیدگاه های مختلف و متنوعی بهره بگیرند. همچنین باید پرسشگر باشند و اساتید خود را به چالش بکشند تا از این طریق به سطح بالاتری از یادگیری دست پیدا کنند. شرکت کردن در کارگاه های عکاسی عاملی برای پیشرفت است و در کنارش سعی کنند فرصتی را برای مرور مطالب جدید و فراگیری از منابع خارجی مانند آنچه در یوتیوب در دسترس است، اختصاص دهند.



ایران از جمله کشورهایی است که علاقه مندی به هنر عکاسی در آن بسیار زیاد است، همینطور است؟

بله درست است، ولی ناگفته نماند که افزایش سرسام آور قیمت دوربین و تجهیزات عکاسی در ایران باعث شده تا بسیاری از علاقه مندان به این هنر، در تهیه مقدماتی ترین ابزار کار هم با مشکل مواجه باشند. حتی بسیاری از عکاسان فعلی هم در ایران قادر نیستند تجهیزات خود را ارتقاء دهند و چیز جدیدی به لوازم کار خود اضافه کنند. همین مساله باعث شده که با وجود علاقمندان زیادی که وجود دارد ولی عکاسی برای خیلی ها در حد یک آرزو باقی بماند.

اینکه می گویند، عکاس بهتر است از میان ژانرهای مختلف، فقط توی یک شاخه کار کند و در همان تخصصی پیدا کند، از نظر شما چقدر حرف درستی است؟

هنرجو نباید اصلا در شروع کار خودش به این قضیه فکر کند و برای آن عجله داشته باشد، چرا که در میان ماجراجویی های عکاس اش ممکن است انواع ژانرهای مختلف را تجربه کند و در نهایت به یکی از آنها بیشتر علاقه مند شود. ولی در بعد حرفه ای، ماجرا فرق می کند. تمرکز داشتن بر روی یک ژانر خاص باعث می شود تا در زمان محدود تری و با سرعت بیشتری بشود به یک سبک منحصر به فرد دست پیدا کرد.

خودتان به چه ژانری در عکاسی بیشتر علاقه مند هستید؟

راستش عکاسی برای من همزمان هم علاقه درونیم و هم شغل و حرفه کاریم است. آنچه بیشتر به آن علاقه دارم عکاسی سفر است ولی در کنار آن، وقت زیادی هم برای عکاسی معماری و عکاسی تبلیغاتی به عنوان حرفه اختصاص می دهم. از همین رو به علاقه مندان عکاسی که این مطلب را در نشریه شما می خوانند توصیه می کنم که در کنار علاقه، نیم نگاهی هم به ژانرهای درآمد زا در این رشته هنری داشته باشند و سعی کنند توانایی و مهارت های لازم برای انجام آن را بدست آورند.

در صحبت قبلی به سبک و امضاء هنری در عکاسی اشاره کردید، چقدر این قضیه می تواند اهمیت داشته باشد؟

به نظرم به سختی می توان عکاسی را که نگاه شخصی خودش را در کار ندارد، هنرمند نامید.

خوب، چطور می شود به آن دست پیدا کرد؟

در گام اول با مطالعه زیاد و خواندن نقدها و تحلیل های آثار عکاسان دیگر و سبکی که آنها دنبال کرده اند. گام بعدی ممارست و تمرین زیاد و صرف زمان برای رسیدن به آن است. پشتکار داشتن عاملی ضروری و کلیدی برای این منظور است.



وقتی عکس شما را در نمایشگاه اکسپوژ ۲۰۲۳ دیدم، نوع ارتباط شما با سوژه عکاسی خیلی به نظرم جالب آمد، از دید من، ارتباط برقرار کردن با سوژه عکاسی خصوصا وقتی با یک دوربین بزرگ روی دست و جلوی چشمتان به سمتش نشانه رفته اید، کار آسانی نیست ولی اگر این ارتباط شکل بگیرد، قطعاً نتیجه، عکس خاص تری از آب در می آید. می خواهم بدانم شما چطور با سوژه عکاسی، خصوصا در ژانر مستند، ارتباط برقرار می کنید و از دید شما چه چالش هایی پیش روی عکاسان برای کار در این ژانر وجود دارد؟

به نظر من یک عکاس مستند علاوه بر فنون عکاسی باید با جامعه شناسی و روان شناسی هم آشنا باشد. همیشه سعی کرده ام تا حد ممکن با سوژه عکاسی ام ارتباط برقرار کنم و پیش از آغاز عکاسی، به شناختی نسبی از او برسم. جالب است این را در اینجا بگویم که با وجودی که شخصیت بسیار درونگرایی دارم ولی هنگام عکاسی مستند به شکل عجیبی برونگرا می شوم و از تمام مهارت های ارتباطی ام برای نزدیک شدن به سوژه استفاده می کنم و این خود مصداق قدرت و کارکرد هنر در ایجاد تغییر مثبت در درون انسان است.

عکس هایتان از طبیعت و کویر مثلا آنکه در نمایشگاهی که از طرف انجمن عکاسی آمریکا برگزار شده بود و آن عکس در آنجا به نمایش درآمده بود و یا همین عکسی که در اکسپوژ دیدم، اگر اشتباه نکنم باید کویر ورزنه در فلات مرکزی ایران باشد، فوق العاده هستند. برای عکاسی از طبیعت، چقدر وقت صرف می کنید تا یک عکس دلخواه را بگیرید؟

روح من با طبیعت و کویر گره خورده است. بارها موقع عکاسی در دل کویر گم شده ام یا گرفتار طوفان های شدید کویری شده ام. حتی هنگام عکاسی در طبیعت با خطراتی چون حمله سارقان یا حتی حیوانات وحشی مواجه شده ام. با این وجود هیچوقت فکرش را هم نکرده ام که دست از عکاسی طبیعت بردارم. خودتان می دانید که یک عکس خوب به راحتی ساخته نمی شود؛ باید برای آن تلاش کرد، جنگید و گاهی هم خطر کرد.

از نحوه راه یابی عکس هایتان به جشنواره اکسپوژ برایمان بگویید، البته تجربه حضور در جشنواره های عکاسی دیگر را هم دارید، شرکت و پذیرش در اکسپوژ راحت بود؟

چندین سال بود که در مسابقه عکس اکسپوژ شرکت می کردم ولی عکسی از من برگزیده نمی شد تا امسال که دو عکس از من به فینال این مسابقه راه پیدا کرد. همین عکس کویر که اتفاقا در بسیاری از جشنواره ها منتخب شده بود، سال گذشته هم برای اکسپوژ فرستاده بودم ولی برگزیده نشد.

بسیاری از عکاسان ایرانی هستند که هیجان این را دارند که عکس هایشان در مسابقات بین المللی و رویدادهای هنری پذیرفته شود، توصیه برای موفقیت در این راه به آنها چیست؟

برای موفقیت در جشنواره ها، پارامترهای متعددی از جمله دقت در انتخاب عکسی که قرار است ارسال شود، خلاقیت و بحث ادیت عکس وجود دارد که باید همه اینها متناسب با مسابقه ای که می خواهیم در آن شرکت کنیم، مورد توجه قرار بگیرد.

به هر حال فارغ از ناامیدی باید به شرکت در مسابقه ها ادامه داد، البته باید سعی شود نقاط ضعف عکس ها هم پیدا شود و برای برطرف کردن آنها وقت گذاشته شود، اینطور شانس موفقیت در دوره های بعدی افزایش پیدا خواهد کرد.

اخبار عکاسی ایران



انقلاب ۵۷ ایران - مریم زندی

روز جمعه پنجم اسفندماه ۱۴۰۱ به مناسبت سومین چاپ کتاب مجموعه عکس "انقلاب ۵۷ ایران" اثر مریم زندی، یک گردهمایی در حیات نشر نظر با حضور مدعوین ادبی و هنری و نیز علاقه مندان هنر عکاسی برگزار شد. مریم زندی آنچه را در این کتاب برای بیننده به نمایش گذاشته است که حاصل کار عکاسی جوان از روزهای پر شور و پر التهاب زمستان ۵۷ در ایران و تظاهرات و قیام مردم، حکومت نظامی و سرانجام پیروزی انقلاب است.

او در مقدمه کتاب چنین روایت می کند: "نمی توانستم در خانه بمانم، مدت ها بود که این جریان ادامه داشت و من با دوربینم در خیابان های شهر می گشتم، باید عکس می گرفتم، من برای ثبت همه آن چیزهایی که نباید فراموش می شدند، مسئول بودم. باید با دوربینم تصویر قیام مردم برای آزادی را ماندگار می کردم".

مریم زندی به عنوان یک عکاس جوان که در بحبوحه یک تحول بزرگ تاریخی مشغول عکاسی مستند شده بود، درباره حس از آن روزها چنین می گوید: "حس شخصی من این بود که اتفاق مهمی در حال رخ دادن است. برای همین، من دو حس متفاوت نسبت به این اتفاق داشتم؛ یکی وظیفه حرفه ای ام به عنوان عکاس و دوم یک حس عدالت خواهی و آزادی خواهی که فکر می کردم باید من هم به شکلی همراه این جریان مردمی باشم."



در این مراسم که با حضور محمدرضا بهمن پور، مدیر نشر نظر و نیز یوریک کریم مسیحی و همایون سیریزی برگزار شد، مریم زندی به ایراد خطابه ای پرداخت که قسمتی از آن را در این گزارش نقل می کنیم:

بعد از سالها، یک روز دوباره من و دوربینم به خیابان بازگشتیم؛ حالا من و دوربینم خشمگین و خشن شده بودیم. از طرفی خشم مردم را ثبت می کردم و از طرف دیگر خشونت ها را. ولی این بار انگار بهتر می دیدم. هم نگران و هم سرخورده و غمگین عکس می گرفتم؛ مردم هنوز با فریادهایشان، آزادی را صدا می زدند.

چقدر تصویرها شبیه گذشته بودند. من حتی شروع کردم به عکس های مشابه گرفتن، در همان مکان ها، ولی با نثری دیگر. حالا فرزندان پدران که سالها پیش بخاطر ارمغان آوردن آزادی برای کودکانشان انقلاب کرده بودند در خیابان ها کشته می شدند. عکس گرفتم، کتک خوردم، دستگیر شدم، آزاد شدم و قلمم سنگین و سنگین تر شد و بعدش دوباره من و دوربینم به کمایی طولانی رفتیم.

و باز سالها گذشت و باز یک روز در خیابان ها چیزی در حال رخ دادن بود، باید می رفتم. خشمی صد چندان مرا و ما را به خیابان آورده بود. اگرچه نمی توانستم مثل گذشته ها پا به پای جوانان بدم، خودم را روی بلندی ها برسانم و عکاسی با عینک هم برایم مشکل بود ولی باید می رفتم. حالا داشتم باز جوانانی را می دیدم که با مشت های گره کرده فریاد آزادی سر داده بودند. درست مثل آن سالهای خودم. آنها ادامه من بودند.

ما تکثیر می شویم. ما با فریادهایمان است که تکثیر می شویم. نسل ها فریاد زده ایم و جنگیده ایم. ما محکومان به این فریاد زدن ها و جنگیدن ها هستیم. باز خودم را می بینم روی یک بلندی. جوان و شاد همراه با دوربینم که فریاد من است و باز هم فریاد می زنم: زن - زندگی - آزادی

بررسی یک عکس خوب



این عکس اثر انزو سلریو، عکاس ایتالیایی متولد پالرمو است که از دهه ۵۰ میلادی به طور تمام وقت مشغول عکاسی آن هم بیشتر عکاسی مستند از حال و هوای مرموز و پر جنب و جوش خیابان های جنوب ایتالیا شد. در این شماره از مجله انسل در بخش نقد و بررسی عکس، به مرور نکات برجسته در این اثر دیدنی از میان آثار این هنرمند می پردازیم:

عکس در پالرمو گرفته شده و سوژه اصلی آن، دو پسر بچه هستند که عرض خیابان را با دو صندلی بر روی سر خود طی می کنند. همه چیز به طور شگفت انگیزی در این عکس عالی به نظر می رسد که بیش از آنکه بخواهد حاصل یک شانس و اتفاق باشد، تبحر هنرمندانه عکاس را نشان می دهد.

به ترکیب بندی عکس خوب توجه کنید. عکاس زمانی شاتر دوربین را چکانده است که دو پسر بچه در وسط کادر قرار گرفته اند، آن هم درست روی موزیک های شکسته ای که این حس را به ما منتقل می کنند که انگار زمین دارد دهن باز می کند و بچه ها را می بلعد. در گوشه سمت چپ، یک شبخ از کسی که کتی به تن دارد، دیده می شود که زاویه حرکتش درست موازی و هماهنگ با زاویه حرکت پاهای

پسرها است و همین نوعی هارمونی در عکس ایجاد می کند. نکته بعدی در این عکس، پرسپکتیو و جزییانی است که در عمق تصویر دیده می شود و حال و هوای پالرمو را منتقل می کند و همه اینها عکس را تا مرحله ای بی نظیر، دیدنی کرده اند.

رضا تجویدی

عکاسی سایه نما



عکس: رضا تجویدی

تکنیک در عکاسی: عکاسی سایه نما، مرور یک تکنیک و راهکارهای غلبه بر آن

اینجا لازم به ذکر است که تجربه نشان داده که نور فلش های دوربین، نور ایده آلی برای این هدف نیستند چرا که عمق تصویر را تا حد زیادی زایل می کنند. ولی منابع نور استودیویی که امروزه می توانند در حالت سیار از باتری های قوی انرژی خود را تامین کنند و نیز رفلکتورها گزینه مناسبی هستند.

مثال دیگر، زمانی است که عکاس از درون یک ساختمان، قصد دارد همزمان هم نمای کم نور داخلی و هم نمای پر نور محیط بیرون را که از پنجره دیده می شود عکاسی کند ولی شدت نور در محیط بیرونی در تضاد با کم نوری داخل ساختمان است. ☹ در چنین شرایطی استفاده از ابزارهای ویژه، می تواند بهترین راهکار باشد. قرار دادن یک "فیلتر کاهند نور مدرج GND" مقابل لنز به گونه ای که قسمت تیره تر آن که نور بیشتری را کاهش می دهد برای پوشاندن ناحیه پر نور بیرونی بکار گرفته شود، تعادل نوری را تا حد زیادی برقرار می کند.

منبع: کتاب شرحی بر نورنگاره ها، هنر عکاسی، رضا تجویدی

آیا عکاسی سایه نما که به آن عکاسی ضد نور یا سیلوئت هم گفته می شود، حاصل یک نقص در نوردهی است و یا تکنیک خلاقانه هنری محسوب می شود؟ از نظر فنی زمانی که شدت نور در دو ناحیه مختلف در یک کادر عکاسی، آنقدر متفاوت و متمایز باشد که نشود همزمان تنظیمات نوری متعادلی برای هر دو ناحیه حاصل کرد به ناچار یا ناحیه کم نور و یا پر نور، مبنای نوردهی قرار می گیرد. در نتیجه با پدیده نوردهی زیاد و یا فقدان نور در ناحیه متضاد روبرو خواهیم شد که حاصل سناریوی دوم سایه نما است. پس از این رو شاید به نظر برسد که سایه نما نتیجه یک نقص و محدودیت در نوردهی باشد ولی در واقع علاوه بر عکاسی، در فرم های دیگر هنری چون گرافیک و نقاشی نیز به آن به دیده یک تکنیک تاثیرگذار نگریسته می شود.

معمولا از تکنیک سایه نما در نمایش موضوع اصلی در تقابل شدید با نور، برای القاء یک حس ویژه به مخاطب استفاده می شود. سوژه که بی نور و سایه مانند است در کنتراست شدید با محیط پیرامونی خود قرار دارد. از آنجایی که در سایه نما، سوژه، کلی و بدون جزئیات دیده می شود در نتیجه اطلاعات اضافی دربر ندارد و به بیننده این امکان را می دهد تا برداشتی آزاد و متکی بر تخیل از تصویر در ذهن خود بسازد.

عکاس ها، گاهی بر خلاف تمایل با پدیده ضد نور مواجه می شوند؛ مانند زمانی که در عکاسی پرتره در محیط بیرونی و هنگام غروب آفتاب نمی توانند با دوربین خود نور مناسب و متعادلی بر روی سوژه تنظیم کنند درحالیکه می خواهند خورشید با آن شدت نوری که دارد در پشت زمینه عکس دیده شود. ☹ تنها راهکار در چنین شرایطی، استفاده از منابع نور مصنوعی با زاویه تابشی متقابل با نور خورشید است، تا تعادل نوری بهتری برقرار شود.



فیلترهای GND (Graduate Natural Density Filter) نوعی فیلتر کاهنده نور هستند که به نواحی نیمه تیره و بسیار تیره درجه بندی شده و برای برقراری تعادل نوری در عکاسی بکار گرفته می شوند.

مرور عکس های قدیمی

زنان افغانستان در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی







Anselmagazine

عضویت برای دریافت مجله در پست الکترونیک

نام:

نام خانوادگی:

زمینه تخصصی هنری یا گرایش عکاسی:

پست الکترونیک:

ارسال شود به:

info@anselmagazine.com



انسِل

ماهنامه تخصصی هنر عکاسی



Anselmagazine



26 02 2023 01 01